سرخط

■ **مهر:** استبان لازو هرناندز، رئیس مجمع ملی قدرت مردمی کوبا با صدور پیامی به مناسبت انتخاب محمدباقر قالیباف به عنوان ریاست مجلس شورای اسلامی ضمن اعلام مخالفت خود با تحریم‌های دولت امریکا علیه ایران گفت: تحمیل اقدامات تحریمی یکجانبه، بیش از هر زمانی جنایتکارانه است.

■ **فارس:** جمعی از دانشجویان و جوانان انقلابی امروز در اعتراض به بازگشایی سفارت ارمنستان در سرزمین‌های اشغالی مقابل سفارت این کشور تجمع کردند.

■ **ایرنا:** محسن بهاروند، معاون حقوقی و بین‌الملل وزارت امور خارجه تأکید کرد: ایران به منظور حل و فصل هر چه سریع‌تر موضوع جعبه‌های سیاه سقوط هواپیمای اوکراینی، پرداخت غرامت به خانواده قربانیان و سایر مسائل مربوط به این رویداد دلخراش، آماده انجام مذاکره با طرف اوکراینی است.

یادداشت

محمدجواد اخوان

انتظارات فرهنگی از خانه ملت

رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی که به مناسبت آغاز به کار مجلس یازدهم صادر فرمودند، «فرهنگ» را در کنار اقتصاد «در صدر فهرست اولویت‌های کشور» دانستند. این تأکید چندباره حضرت امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) بر اولویت فرهنگ خطاب به قوه مقننه، یادآور توصیه مکرر ایشان به نمایندگان ادوار گذشته مجلس در این حوزه و هشدارهای ارائه شده در خصوص «ولنگاری و بی‌اهتمامی در حوزه فرهنگ» است؛ موضوعی که با توجه به اهمیت راهبردی فرهنگ نمی‌توان به‌راحتی از کنار آن گذشت و باید در خصوص ریشه‌های وقوع این پدیده در نظام مدیریتی کشور تأمل کرد. از این‌رو در این یادداشت خواهیم کوشید بر مهم‌ترین خاستگاه‌های بروز این معضل جدی نگاهی گذرا داشته باشیم:

شاید اساسی‌ترین دلیل گرفتاری فرهنگ به این وضعیت آشفته را باید در «سیاسی کاری در حوزه فرهنگ» جست‌وجو کرد، به این معنا که از جمله مظلومیت‌های همیشگی حوزه فرهنگ در کشور ما، تنزل آن به موضوعی درجه ۲ و تبعی است که متأثر از تحولات و معادلات سیاسی است. تغییرات سیاسی و دست به دست شدن قدرت به‌راحتی بر مدیریت‌های فرهنگی تأثیر می‌گذارد. پیروزی در آوردگاه‌های انتخاباتی، گاه اولین و مهم‌ترین مسئله برای مدیرانی است که متولی امر فرهنگ هستند و به راحتی این حوزه حساس را قربانی کسب رضایتمندی قشری خاص می‌کنند. گاه مدیرانی فاقد هرگونه صلاحیت تخصصی و صرفاً مبتنی بر روابط سیاسی عهده‌دار حوزه فرهنگی می‌شوند که خود سم مهلکی برای فرهنگ عمومی جامعه اسلامی است. از این رو می‌توان گفت تغییر مدیریت فرهنگی از فاز سیاسی به فضای فرهنگی متناسب با ارزش‌های جامعه نخستین بایسته این حوزه است که به نظر می‌رسد مجلس یازدهم و به ویژه کمیسیون فرهنگی آن در این خصوص وظیفه مهمی بر عهده دارد.

تا چند سال پیش یکی از معضلات جدی مدیریت فرهنگی فقدان اسناد بالادستی روشن و قابل‌اتکا بود و همین امر راه را برای اعمال سلیقه مدیران باز می‌کرد. اکنون اسناد مهمی همچون «نقشه مهندسی فرهنگی» و سیاست‌های کلان مصوب نظام را در اختیار داریم که حدود و ثغور و کلان‌راهبردهای رشد و تعالی فرهنگی را مشخص کرده است. با این حال همچنان اعمال سلیقه و چرخش‌های ۱۸۰ درجه‌ای جهت‌گیری مدیریتی با تغییر مدیران را شاهدیم. پس اشکال کار در کجاست؟ در پاسخ می‌توان گفت اولاً فقدان نگاه راهبردی و میل به اقدامات کوتاه‌مدت و مقطعی، بیماری مزمنی است که به این زودی از پیکره نظام مدیریتی کشور زدوده نمی‌شود. ثانیاً یکی از الزامات اسناد کلان، وجود ساز و کارهای نظارتی و ضمانت‌های اجرایی قوی است که در این حوزه همچنان ضعف‌های جدی وجود دارد. هرچند نهاد بالادستی‌ای همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان قرارگاه مرکزی امر فرهنگ در کشور وجود دارد، اما به عنوان مثال برای راهبری و نظارت بر اجرای سند مهم نقشه مهندسی فرهنگی همچنان نارسایی به چشم می‌خورد که ضروری است اصلاح شود. با توجه به آنکه مجلس دارای نقش نظارتی مشخص و مدونی است، اعمال نظارت بر این مبنا بر نهادهای فرهنگی دولتی، می‌تواند کمک شایانی به حل این معضل نماید.

علاوه بر چالش‌های فوق، آسیب جدی دیگری که در حوزه نخبگانی وجود دارد و هراز چندگاهی مدیریت فرهنگی کشور را متأثر از خود می‌کند، وجود «گفتمان‌های فرهنگی معارض با ارزش‌های انقلاب» است که مع‌الأسف در تعدادی از مدیران فرهنگی به چشم می‌خورد. جالب اینجاست که برخی از همین مدیران دارای پیشینه انقلابی و کاملاً موجه هستند، اما گذر زمان و لغزشگاه‌ها آنها را دچار چرخش‌های فکری گفتمانی ۱۸۰ درجه‌ای کرده است که در مسیر ارزش زدایی حرکت می‌کنند. چنین رویکردی در سال‌های موسوم به سازندگی و دوم خرداد در طیفی از مدیران اجرایی حوزه فرهنگ به چشم می‌خورد و اکنون نیز بخشی از همین مدیران به جایگاه سابق خود بازگشته‌اند. در چنین شرایطی تنها وجود سازوکارهای قدرتمند نظارتی در مجلس، شورای عالی انقلاب فرهنگی و نیز مقابله قانونی از سوی قوه قضائیه می‌تواند در مهار اقدامات چنین مدیرانی مؤثر باشد.

آنچه اجمالاً در سرفصل‌های بالا مورد اشاره قرار گرفت، تنها بخشی از ریشه‌های ولنگاری و بی‌اهتمامی موجود در امر فرهنگ است و بی‌شک دلایل دیگری نیز وجود دارد. آنچه مهم است، اینکه اقدام عاجل دلسوزان و متولیان برای عبور از شرایط بغرنج کنونی و همراهی نخبگان و کارشناسان در ارائه طریق برای نیل به مسیر رشد و تعالی فرهنگی ضروری به نظر می‌رسد. می‌دانیم هرگونه کوتاهی در این امر، تبعات و پیامدهای جبران‌ناپذیری به ساحت پاک جامعه و نسل‌های آینده به همراه خواهد داشت؛ پیامدهایی که هرچند در کوتاه‌مدت برای برخی کمتر لمس می‌شود، اما دود آن در چشم فرزندان ما خواهد رفت!

خبر آخر

در خواست الهیان از علوی

پیگیری‌ها درباره ترور شهید سلیمانی را به مردم گزارش کنید

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی طی نامه‌ای به وزیر اطلاعات ارائه گزارش وزارت اطلاعات درباره اقدامات صورت گرفته در ارتباط با ترور شهید سپهبد سلیمانی و پیگیری این اقدام جنایت‌بار و محکوم کردن امریکا از طریق جوامع بین‌الملل حقوق بشری به مجلس را خواستار شد.

زهره الهیان، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با فارس، از نامه به سید محمود علوی، وزیر اطلاعات خبر داد و اظهار داشت: طی این نامه از وزیر اطلاعات خواسته‌ام درباره اقدامات وزارت اطلاعات در ارتباط با ترور شهید سپهبد سلیمانی به مجلس توضیح دهد. وی در خصوص جزئیات نامه مزبور گفت: طی این نامه همچنین خواسته‌ام تا مجموعه اقدامات و پیگیری‌های این وزارتخانه در خصوص این ترور جنایت‌بار و محکوم کردن امریکا از طریق جوامع بین‌المللی و حقوق بشری توضیحاتی ارائه کند. الهیان در ادامه خاطرنشان کرد: در این نامه تأکید شده است وزارت اطلاعات درباره مجموعه اقدامات وزارت اطلاعات درباره موضوع مذکور به نمایندگان و مردم ایران گزارش دهد.

بزک کنندگان امریکا دچار بحران معنا شده‌اند

فروپاشی از درون و بی‌اعتباری شعارهای حقوق‌بشری تنها به امریکا محدود نشده است

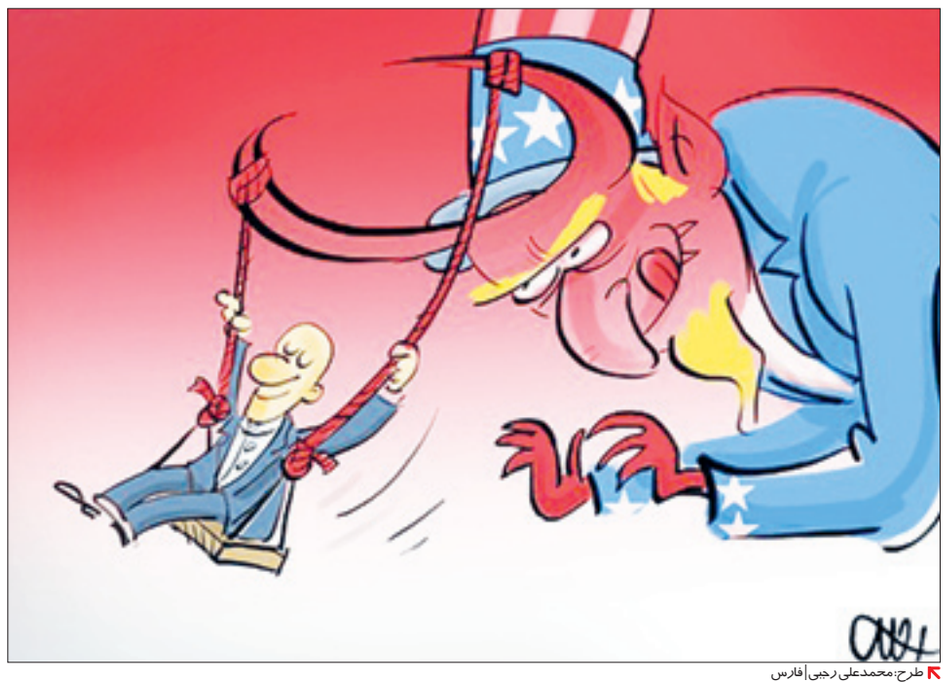

طرح: محمدعلی رجبی | فارس

گزارش
مهدی پورصفا

در طول ۴۰ سالی که از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته است، اپوزیسیون خارجی نظام جمهوری اسلامی در مقاطع زمانی مختلف و یا توجه به مشخصات دولت‌های خارجی متخاصم با ایران تلاش کرده‌اند چهره‌ای از خود به نمایش بگذارند که بتوانند ضمن دریافت بیشترین حمایت ممکن بالاترین حد از تأثیرگذاری در جامعه ایران را متناسب با منافع خود به دست آورند.

طیف‌های مختلف این اپوزیسیون از گروهک منافقین تا بقایای سلطنت‌طلبان متفاوت است اما تقریباً تمام آنها از هر گونه فشاری برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران استقبال می‌کنند.

علاوه بر این طی چهار سال گذشته و با روی کار آمدن دولت ترامپ و اجرای سیاست فشار حداکثری تحرک این طیف نیز دو چندان شده است. دیدارهای مداوم اعضای گروهک منافقین با مقامات وزارت امور خارجه امریکا و همچنین افزایش درجه حفاظتی برخی بازماندگان نظام سلطنتی در همین راستا صورت گرفت.

در مقابل این اپوزیسیون طیفی دیگر در داخل ایران به دنبال ارائه چهره‌ای جذاب و زیبا از غرب بود. اگرچه ماهیت و دلیل وجودی این دو با یکدیگر تفاوت بسیار دارد اما در خصوص ارائه چهره‌ای جذاب و ایده‌آل در خصوص رعایت استانداردهای حقوق بشری و شهروندی همانند دو لبه یک قیچی عمل می‌کردند.

این روند به‌خصوص بعد از برخی بحران‌های مرتبط با عملکرد بد اقتصادی دولت از جمله اغتشاشات آبان ۹۸ به شدت اوج گرفت و تلاش می‌کرد زمینه را برای حرکت بخشی از جامعه به سمت حرکت‌های رادیکال فراهم کند.

■ **این بار باد نا موافق از غرب وزید**

حالا و در میانه امیدواری دوسوی این دو طیف به قاطعیت دولت ترامپ در برخورد با نظام جمهوری اسلامی ناگهان تحولات و ناآرامی ایالات متحده تبدیل به یک بحران معناشناختی گسترده میان این گروه‌ها شده است.

شاید تا سه ماه پیش حتی نفس بیان چنین رویدادی در غرب و به‌خصوص امریکا فراتر از تصور هر تحلیلگری بود اما حالا تمام دنیا شاهد بزرگ‌ترین راهپیمایی ضدنژادپرستی نیم قرن گذشته در امریکا است.

بعد از جنگ جهانی چنین اعتراضات گسترده‌ای را با چنین دامنه‌ای در دهه ۶۰ میلادی می‌توان سراغ گرفت؛ زمانی که جنبش سیاهپوستان امریکا به دنبال شکستن تبعیض ناجوانمردانه نژادی علیه خود بودند. امریکا یک‌بار دیگر هم چنین اعتراضاتی را در سال ۱۹۹۲ تجربه کرد. در شهر لس‌آنجلس زمانی که چند مأمور سفیدپوست از ضرب و شتم آشکار چند سیاهپوست تبرئه شده بودند. به راه افتادن چنین اعتراضاتی بعد از گذشت این همه سال برای افکار عمومی غیرقابل فهم بود. زمانی که باراک اوباما به عنوان اولین رئیس جمهور رنگین پوست امریکا به قدرت رسید همه تصور می‌کردند نژاد پرستی در امریکا برای همیشه به افسانه‌ها پیوسته است. حتی انتخاب ترامپ هم سبب نشد این چهره دروغین در هم بریزد. در سایه رشد اقتصادی سه سال گذشته در امریکا جامعه این کشور به نمونه ایده آلی تبدیل شد که همه باید از آن پیروی می‌کردند.

اپوزیسیون ایرانی خارج از کشور هم امیدوار بود با جلب کمک‌های ترامپ بتواند فشار خود را بر جمهوری اسلامی تشدید کند. همه چیز تا همین چند ماه پیش به خوبی پیش می‌رفت تا اینکه کرونا اولین ضربه را وارد کرد.

■ **سینه چاکان ایرانی ترامپ گرفتار شدند**

همه‌گیری ویروس کرونا و عملکرد بد دولت ترامپ اولین ضربه اساسی به این برج عاج وارد کرد. در حالی که شیوع گسترده بیماری در کشورهای اروپایی هشداری جدی در خصوص ناکافی بودن امکانات نظام بهداشتی در غرب و همچنین ملزومات بهداشتی مانند ماسک بود اما دولت ترامپ به راحتی اجازه داد تا همه‌گیری کرونا تمام جامعه این کشور را درگیر کند.

افزایش بیکاری گسترده به ۴۰ درصد و رکود اقتصادی نشانه‌های طوفانی بود که در حال در هم کوبیدن امریکا است. به سرعت آمارهای عالی اقتصادی ناپدید شد و در کنار آن بیمارستان‌های پر از مریض، گورستان‌های دسته جمعی در شهرهایی همچون نیویورک و صف طویل دریافت کنندگان غذا به تصاویری آشنا در رسانه‌های بزرگ خبری دنیا تبدیل شد. در حالی که اپوزیسیون داخلی و گروه‌های غرب‌گرای داخلی امیدوار به گذر آرام این بحران بودند اعتراضات گسترده نژادی از راه رسید.

نکته مهم درباره اعتراضات فوق این بود که دولت امریکا دقیقاً همان عملکردی را از خود نشان داد که مورد انتقاد اپوزیسیون خارجی ایران و گروه‌های غرب‌گرا بود. استفاده گسترده از نیروهای نظامی برای سرکوب معترضان که مورد انتقاد سران پنتاگون قرار گرفت و خشونت گسترده پلیس همه را عملاً مبهوت کرد.

در کنار این دولت ترامپ به سرعت تلاش کرد کنترل شبکه‌های اجتماعی را در دست بگیرد که نمونه آن امضای یک فرمان اجرایی علیه شبکه‌های اجتماعی بود که مطالب مد نظر دولت را حذف می‌کنند. امضای چنین فرمانی حتی صدای رادیکال‌ترین طرفداران ترامپ را در حوزه رسانه‌ها در آورد.

به این ترتیب و در حالی که بدبین‌ترین اعضای اپوزیسیون ایرانی نیز تصور نمی‌کردند روزی شاهد زیر گرفته شدن معترضان توسط پلیس نیویورک باشند، انتشار گسترده این اخبار سبب شد تمام این اپوزیسیون تبدیل به طرفداران دو آتشه ترامپ شوند.

این مسئله به اندازه‌ای عمیق شد که برخی از آنها وجود نژادپرستی و شکاف نژادی را به طور کامل زیر سؤال بردند. به عنوان مثال احمد باطبی از نیروهای سابق دانشجویی در ایران که حالا به عضوی فعال از شبکه نئوکان‌های امریکا تبدیل شده در گفت‌وگو با بی. بی. سی به طور کامل منکر هر گونه خشونت از سوی دولت امریکا شد.

این موضع‌گیری از سوی سلطنت‌طلبان هم به وضوح چه در شبکه‌های اجتماعی و چه در شبکه‌های تلویزیونی آنان عیان شد. ماجرا آن قدر شور شد که ویکتوریا طهماسبی استاد ایرانی دانشگاه ونکوور در حساب توئیتری خود این موضع ایرانیان اپوزیسیون را غیرقابل باور خواند.

البته چنین سخنانی تنها محدود به شبکه‌های سلطنت نبود بلکه برخی از شبکه‌های داخلی همچون ایران اینترنشنال هم بدون پرداختن به خشونت‌های دولت ترامپ تنها دولت ایران را یگانه نظام سرکوبگر دنیا معرفی می‌کرد.

■ **بحران هویتی که گریبان بزک کنندگان را گرفت**

اشاره دقیق به این موضوع را مقام معظم رهبری در سخنرانی تلویزیونی ۱۴ خردادماه امسال خود داشتند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به احساس خجالت و سرافکندگی بجای ملت امریکا از حکومت‌های خود و حکومت فعلی‌شان افزودند: امریکایی‌ها با رفتارهای‌شان در دنیا رسوا شده‌اند. آن از مدیریت ضعیف‌شان در کرونا که به علت فساد موجود در هیئت حاکمه امریکا، تلفات و مبتلایان به بیماری در امریکا چندین برابر کشورهای دیگر است و این هم از برخورد وقیحانه‌شان با مردم که آشکارا جنایت می‌کنند، عذرخواهی هم نمی‌کنند و بعد هم می‌گویند حقوق بشر، انگار آن مرد سیاهی که کشته شد، بشر نبود و حقوقی نداشت. با این وضع پیش‌آمده، برخی از ایرانی‌های داخل یا خارج از کشور هم که شغل‌شان حمایت از امریکا و بزک آن بود، دیگر نمی‌توانند سربلند کنند.

> **افزایش بیکاری گسترده و رکود اقتصادی نشانه‌های طوفانی بود که در حال در هم کوبیدن امریکا است. به سرعت آمارهای عالی اقتصادی ناپدید شد و در کنار آن بیمارستان‌های پر از مریض، گورستان‌های دسته جمعی و صف طویل دریافت کنندگان غذا به تصاویری آشنا در رسانه‌های بزرگ خبری دنیا تبدیل شد. در حالی که اپوزیسیون داخلی و گروه‌های غربگرای داخلی امیدوار به گذر آرام این بحران بودند اعتراضات گسترده نژادی از راه رسید**

این توصیف روشن‌ترین بیان از بحران معنایی است که این دو طیف با آن روبه رو هستند. به طور حتم این دو گروه باید در انتظار مشکلات بیشتری باشند چرا که تحولات سیاسی نشان می‌دهد پشتیبانان سابق آنها هم شاید در هیئت حاکمه امریکا جایی نداشته باشند و آنها هم قربانی حق‌طلبی مردم امریکا بنشینند.

فرجام ماجرا هر چه باشد، بزک کنندگان امریکا هیچ‌گاه در مقابل ملت ایران سرافراز نخواهند بود.

ویژه

خساست خبری یا نابلدی رسانه‌ای؟

روز سه‌شنبه ۲۰ خرداد ۹۹ سخنگوی قوه قضائیه در نشست خبری خود خبر از تأیید حکم اعدام یک جاسوس داد؛ سید محمود موسوی‌مجد، جاسوسی که اطلاعاتی را از نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به دستگاه‌های اطلاعاتی امریکا و اسرائیل (سیا و موساد) منتقل کرده بود. آنچه غلامحسین اسماعیلی در مورد این فرد گفت، باعث شد فعالان مجازی تصور کنند او در ترور سردار شهید قاسم سلیمانی به جهت فروش اطلاعات مربوط به سفر آخر سردار به امریکایی‌ها نقش داشته و فضای مجازی پر از واکنش‌های احساسی در این زمینه شد.

عبارتی که رسانه‌ها از قول اسماعیلی نوشتند این بود که: «حکم اعدام برای افشا کننده مسیر تردد سردار سلیمانی» و ذهن همگان به سمت سفر آخر سردار رفت. آنچه سخنگوی قوه قضائیه گفته بود، گرچه چنین چیزی نبود، اما ابهام و ایهامی داشت که باعث این تصور شد. اسماعیلی گفته بود: «اخیراً فردی به نام آقای سید محمود موسوی مجد فرزند سیدکاظم که هم به سرویس موساد و هم به سرویس سیا وصل شده بود و در قبال اخذ دلارهای امریکایی، در حوزه‌های مختلف امنیتی و به‌ویژه حوزه نیروهای مسلح از جمله سپاه پیروزمند قدس اطلاعاتی را جمع آوری و در اختیار سرویس بیگانه قرار داده بود و یکی از اتهامات این فرد اعلام محل تردد و اسکان سردار شهید سلیمانی و برخی فرماندهان نظامی در ادوار مختلف به سرویس‌های جاسوسی سیا و موساد بود، با حکم دادگاه انقلاب اسلامی به اعدام محکوم شد. شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور اخیراً این حکم را تأیید کرده و به زودی حکم این فرد اجرا می‌شود.»

او چه زمانی دستگیر شده است؟ چه زمانی حکم اولیه اعدام آمده است؟ چند سال جاسوسی می‌کرده است؟ در چه دورانی اطلاعات ترددهای حاج قاسم و سایر مقامات نیرو قدس را داده است؟ هیچ کدام گفته نشده است.

اعلام زمان دستگیری او کمترین اطلاعاتی بود که قوه قضائیه با توجه به رویداد مهم ترور فرمانده نیرو قدس در ماه‌های اخیر می‌توانست بدهد که نداد و باعث شد تا ضمن ایجاد تصور اشتباه در ذهن دوستداران سردار شهید، دهان برخی ضدانقلاب را باز کند که بگویند چطور سریع شناسایی و دستگیر و بازجویی و دادگاهی و محکوم شد و چقدر هم سریع اعتراف کرد!

توئیت‌های اصلاحی برخی فعالان رسانه‌ای با این مضمون که «گفتند موسوی مجد، جاسوسی که قرار است اعدام شود، اطلاعات محل‌های تردد حاج قاسم را به امریکایی‌ها می‌داده؛ نگفتند که الزاماً اطلاعات آخرین سفر سردار را هم داده است.» باعث شد تا قوه قضائیه متوجه کاستی و اشتباه در اطلاع رسانی شود و مدیرمسئول میزان، خبرگزاری این قوه توضیح داد که دستگیری این جاسوس مدت‌ها قبل از ترور حاج قاسم سلیمانی بوده است.

با این حال، قوه قضائیه مجبور شد اطلاعیه‌ای توضیحی را هم ضمیمه کند و ضمن تصریح این نکته که «تمام مراحل قضایی پرونده جاسوس سیا و موساد مدت‌ها قبل از شهادت حاج قاسم سلیمانی انجام شده است پرونده وی ارتباطی با اقدام تروریستی دولت امریکا در به شهادت رساندن فرمانده سپاه قدس ندارد» تاریخ دقیق دستگیری و صدور حکم را هم اعلام کند: «پس از بازداشت موسوی مجد در تاریخ ۱۸ مهرماه ۹۷، شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی به اتهامات انتسابی وی رسیدگی و در تاریخ ۳ شهریور ۹۸ حکم اعدام وی را صادر می‌کند که با اشکال و ایراد دیوان عالی کشور حکم دوباره به محکمه برگشته و دادگاه بار دیگر در تاریخ ۴ اسفند ۹۸ و بررسی مجدد پرونده حکم اعدام وی را تأیید و دوباره پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال می‌کند و هم اکنون این حکم در دیوان عالی کشور نیز تأیید شده است.» بنابراین اطلاعیه، موسوی مجد از ابتدای بازداشت تاکنون آزاد نشده است.

آیا سخنگوی قوه نمی‌توانست به جای بیان عباراتی مبهم، صریحاً همین تاریخ‌های آمده در اطلاعیه را در نشست خبری اعلام کند؟ دستگاه قضایی که چند ساعت پس از نشست خبری، این اطلاعات را اعلام کرده و اطلاعات محرمانه‌ای هم نیست، چه می‌شد اگر به جای بعد از ظهر و پس از جنجال‌ها، همان صبح و قبل از جنجال‌ها دقیق‌تر و با وسع نگاه بیشتر اطلاع رسانی می‌شد؟ خساست خبری جز ابهام آفرینی چه فایده‌ای داشته که رها نمی‌شود؟ مدام «نگفتن» و خبرها را برای خود نگه داشتن، یعنی خساست خبری برای اخباری که محرمانه هم نیست. تاریخ دستگیری این جاسوس را موساد و سیا که می‌دانند؛ چه اشکالی دارد مردم هم بدانند؟! از سویی آیا سخنگوی قوه قضائیه از حساسیت مردم ایران نسبت به نام سردار قاسم سلیمانی و هر نکته مرتبط با موضوع ترور او مطلع نیست؟ اگر اصل را بر شفاف سازی هر اطلاعاتی بدانیم که محرمانه نیست و خساست خبری به خرج ندهیم، با چنین مشکلاتی روبه‌رو نخواهیم شد.

به چند هفته قبل برویم؛ سخنگوی قوه در نشست خبری خود از حکم اعدام زن و شوهری گفت که با پیش خرید هزاران خودرو و خرید دهها هزار سکه در بازار خودرو و طلا اخلال ایجاد کرده‌اند و بسیاری می‌پرسیدند مگر خرید ماشین و سکه جرم است؟ آن هم جرمی در حد اعدام؟! و بعد روشن شد که صحبت از باند سازمان یافته خرید خودرو با همدستی مدیران خودروساز و دو تن از نمایندگان مجلس است.

خبرگزاری میزان هم چند گزارش پیرامون رفع ابهامات حکم این زوج منتشر کرد. نشست سخنگوی قوه برای شفاف سازی است و شفاف سازی نباید خود ابهام آفرین باشد و اطلاعیه و توئیت و گزارش ضمیمه آن شود که از آن ابهام زدایی کند.

گزیده خبر

در نامه‌ای به دبیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

ایران شکایت از رفتار غیرقانونی امریکا را به آژانس برد

نماینده دائم کشورمان در وین با ارسال نامه‌ای به مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره رفتار غیرقانونی و متخلفانه امریکا در قبال تعهدات بین‌المللی خود در حوزه همکاری‌های هسته‌ای و ایجاد ممانعت در این زمینه، این اقدامات را مغایر با مفاد مواد ۲ و ۳ اساسنامه آژانس، ماده ۴ معاهده عدم اشاعه، قطعنامه‌های کنفرانس عمومی آژانس، برجام، و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت خواند.

به گزارش خبرگزاری میزان، کاظم غریب‌آبادی در این نامه ضمن اعلام اینکه ایران محق است تا اقدامات جبرانی را در قبال این شرایط اتخاذ نماید، از اعضای آژانس خواست به مسئولیت خود برای واکنش مناسب به این اقدامات غیرقانونی امریکا عمل نمایند. نماینده دائم کشورمان همچنین از مدیر کل آژانس خواست اینگونه اقدامات خلاف تعهدات امریکا را در گزارشات خود در رابطه با اجرای اسناد مرتبط آژانس، منعکس نماید.

در نامه سفیر و نماینده دائم کشورمان به «گروسی» مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آمده است: اقدامات غیرقانونی ایالات متحده که در مغایرت با اساسنامه آژانس و تعهدات ایجاد شده در قطعنامه‌های کنفرانس عمومی، و همچنین در مخالفت با همکاری و فعالیت‌های هسته‌ای ذیل برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل می‌باشد، نه تنها نقض منشور سازمان ملل بوده، بلکه می‌تواند به طور عمده‌ای مانع از اجرای کامل برجام شود.

غریب آبادی نوشته است: امریکا در ۲۷ می ۲۰۲۰ اعلام کرد که به‌طور یکجانبه تمامی پروژه‌های هسته‌ای باقیمانده ناشی از برجام - تبدیل رآکتور اراک، تأمین اورانیوم غنی شده برای رآکتور تحقیقاتی تهران، و صادرات سوخت رآکتور تحقیقاتی ایران را تحریم می‌کند. این اقدام در کنار رفتارها و سیاست‌های بدخواهانه قبلی ایالات متحده علیه همکاری‌ها و فعالیت‌های هسته‌ای مطابق با برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت - به ویژه قرار دادن سازمان انرژی اتمی ایران و رئیس آن، دکتر علی اکبر صالحی، در فهرست تحریم‌ها (۳۱ ژانویه ۲۰۲۰) و همچنین تحریم همکاری و فعالیت‌های میان ایران و سایر کشورها در خصوص انتقال اورانیوم غنی شده به خارج از ایران در ازای اورانیوم طبیعی و فراهم نمودن ذخیره سازی برای آب سنگین ایران (۳ می ۲۰۱۹) و نیز تأسیسات فردو (۱۸ نوامبر ۲۰۱۹) - با این هدف انجام می‌شود تا ایران، سایر طرف‌های برجام و همچنین جامعه بین‌المللی را به طور قابل ملاحظه‌ای از اجرای تعهداتشان ذیل این توافق باز دارد.

نماینده دائم ایران در آژانس تصریح کرده است: این اقدامات غیرقانونی، اثرات مخربی بر همکاری‌ها و فعالیت‌های بین‌المللی هسته‌ای غیرنظامی مشخص شده در ضمائم ۱ و ۳ برجام، به‌واسطه ایجاد موانع عملی و فنی در اجرای کامل برجام توسط اعضای باقیمانده آن و سایر جامعه بین‌المللی دارد. این اقدامات لزوماً به حوزه‌های فوق‌الذکر محدود نمی‌شوند، بلکه با اعمال تحریم بر شرکت تولید رادیودارو (شرکت پارس ایزوتوپ) و سازمان نظام ایمنی هسته‌ای ایران به کاربردهای بشردوستانه علوم و فناوری هسته‌ای نیز گسترش یافته‌اند. در این مقوله، تهدید و ارعاب متخصصان هسته‌ای ایران، در تضاد آشکار با متن و روح اساسنامه آژانس می‌باشد. چنین رفتارهای غیرمسئولانه و غیرانسانی امریکا نه تنها جان صدها هزار بیمار را که نیاز شدید به این رادیوداروها دارند به خطر می‌اندازد، بلکه تهدیدی جدی برای دانشمندان هسته‌ای ایجاد می‌کند و امریکا در قبال هر حادثه‌ای در این زمینه، مسئول و پاسخگو خواهد بود. وی اضافه کرده است: این اقدامات ایالات متحده نه تنها نقض ماهوی قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت می‌باشد، بلکه آشکارا نقض تعهدات این کشور تحت اسناد مرتبط آژانس نیز می‌باشد. تحریم‌ها و سیاست‌های امریکا همچنین مانع از اجرای مفاد هسته‌ای مرتبط ذیل قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت توسط کشورهای عضو از جمله جمهوری اسلامی ایران شده‌اند.

■ **حق ایران برای اقدامات جبرانی محفوظ است**

غریب آبادی تأکید کرده است: در حالی که جمهوری اسلامی ایران حق دارد اقدامات جبرانی را در این راستا اتخاذ نماید و آژانس نیز در هر مرحله از توسعه این اقدامات کاملاً آگاه خواهد شد، امریکا بایستی مسئولیت کامل عواقب اقدامات متخلفانه خود را به عهده بگیرد. دولت امریکا بایستی بلافاصله این محدودیت‌ها و موانع بر سر راه همکاری‌های بین‌المللی در زمینه استفاده‌های صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را که مغایر با اهداف اساسنامه آژانس، اصول معاهده عدم اشاعه و مفاد قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت هستند، بردارد.

اعتبارنامه تاجگردون تأیید شد

رئیس شعبه ۱۲ مجلس شورای اسلامی از اتمام بررسی اعتبارنامه منتخب مردم گچساران خبر داد.

سیدناصر موسوی لارگانی در گفت‌وگو با خبرگزاری خانه ملت، با اشاره به جلسه دیروز شعبه ۱۲ مجلس برای بررسی اعتبارنامه منتخب مردم گچساران و باشت در مجلس یازدهم، گفت: در جریان بررسی اعتبار نامه غلامرضا تاجگردون، دو استعلام از شورای نگهبان صورت گرفت، این شورا در پاسخ به استعلام مجلس بیان داشت که موارد در زمان تأیید صلاحیت این منتخب در زمان انتخابات مجلس یازدهم بررسی شده است. نماینده مردم فلاورجان در مجلس شورای اسلامی بیان داشت: از این رو در نشست شعبه ۱۲، اعتبارنامه منتخب مردم گچساران به رأی گذاشته شد که ۹ رأی موافق و ۷ رأی مخالف تأیید اعتبار نامه بود، بنابراین اعتبارنامه تاجگردون مورد تأیید قرار گرفت. محمد علیپور، سخنگوی شعبه بررسی اعتبارنامه غلامرضا تاجگردون نماینده گچساران هم در گفت‌وگو با مهر اظهار داشت: اعتبارنامه تاجگردون امروز در صحن علنی مجلس قرائت خواهد شد اما به رأی نمایندگان گذاشته نمی‌شود.

علیپور در گفت‌وگو با فارس نیز در تشریح جزئیات نامه شورای نگهبان در پاسخ به نامه دوم معترضان به اعتبارنامه تاجگردون که به امضای هیئت رئیسه مجلس رسیده است، اظهار داشت: این نامه دیروز در جلسه شعبه در جریان بررسی اعتبارنامه غلامرضا تاجگردون قرائت شد. وی افزود: در یکی از بندهای نامه شورای نگهبان به مدرک دکتری تاجگردون اشاره شده که معترضان در نامه خود به احتمال جعلی بودن مدرک دکترای وی اعتراض کرده بودند، اما شورای نگهبان طی این نامه عنوان کرده است که تاجگردون با مدرک کارشناسی ارشد در انتخابات ثبت نام کرده است بنابراین موضوع جعلی بودن سایر مدارک وی برای شورای نگهبان مطرح نیست. علیپور در ادامه عنوان کرد: در بند دوم نیز به اسناد و مدارک پیوست نشده به نامه معترضان نیز اشاره شده است که برخی موارد در نامه عنوان شده که اسناد و مدارکی به پیوست این نامه به شورای نگهبان ارسال نشده است بنابراین موارد وارد نیست.

سخنگوی شعبه ۱۲ مجلس شورای اسلامی در ادامه تصریح کرد: در یکی دیگر از بندهای نامه و پاسخ شورای نگهبان، موضوع معرفی به دستگاه‌ها از سوی تاجگردون نیز مطرح شده است که شورای نگهبان در پاسخ به این موضوع عنوان کرده که همه نمایندگان ممکن است افراد را به دستگاه‌های مختلف معرفی کنند و این چیز جدیدی نیست. وی در ادامه عنوان کرد که بسیاری از افراد روزانه به دفاتر ما نمایندگان مراجعه می‌کنند و مراجعات زیادی در این خصوص داریم که نامه می‌گیرند و از سوی نماینده برای حل مشکلات‌شان معرفی می‌خواهند؛ حال به درست یا غلط جزو بخشی از وظایف تعریف شده نمایندگان معرفی افراد به دستگاه‌هاست. علیپور ادامه داد: در خصوص اسناد و مدارکی که به نامه پیوست نشده است هم گویا نامه از هیئت رئیسه ارسال شده است اما باید مدارک را پیوست می‌کردند که این اتفاق نیفتاده و ما نمی‌دانیم که چه اتفاقی افتاده است.

چندی پیش تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با تأیید اعتبارنامه تاجگردون در مجلس مخالفت کردند و شکایتی روی اعتبارنامه وی گذاشتند، در این زمینه استعلامی از شورای نگهبان گرفته شد که نهایتاً در جلسه دیروز شعبه ۱۲ اعتبارنامه مورد بررسی مجدد قرار گرفت.